

جنگ لفظی ترامپ و اردوغان
ترکیه را دچار بحران اقتصادی کرده است

نبرد خانمان سوز
دو مرد مغرور

جهان ۴



«گروه اقدام ایران» تلاش جدید آمریکا برای تغییر رفتار تهران است

خیال پنبه‌دانه

مرد عینکی سر به‌زیری که پشت سر مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا دیده می‌شود، بر ایران هوک است؛ روز پنجشنبه از سوی پمپئو به ریاست گروه جدیدی به نام «گروه اقدام ایران» منصوب شد تا فصل جدیدی از فشارهای آمریکا بر ایران را آغاز کند. هدف اصلی این گروه به گفته پمپئو تغییر رفتار ایران است و قرار است هوک برای رساندن آمریکا به این هدف سخت، با کشورهای خارجی مذاکره کند و گزارش‌هایش را هم فقط به پمپئو ارایه بدهد و به عبارت ساده‌تر انزوای جهانی ترامپ در مورد ایران را به اجماع جهانی علیه ایران تبدیل کند. ترامپ ۱۸ دسامبر، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که ضامن اجرایی برجام بود، را زیر پا گذاشت و از برجام خارج شد. اواسط مرداد، اولین دور تحریم‌ها علیه ایران را که مربوط به فلزات و ممنوعیت تجارت با دلار بود، به اجرا گذاشت، نیمه‌آین قرار است دور دوم تحریم‌هایش را با تحریم بانک مرکزی و صنعت نفت ایران شروع کند. در تمام این مدت نیز او و تیمش مدام در حال سفر به کشورهای...

سیاست ۲

صادرات هندوانه افتخار ندارد!

دراوج خشک سالی آب‌صادر می‌کنیم

چر تکه ۳

حمله انتحاری داعش به مدرسه‌ای در کابل
۴۰ کشته و ۶۷ زخمی بر جای گذاشت

رویایی که دفن می‌شود

جهان ۵

نگاهی به داستان کوتاه و رمان در ادبیات امروز ایران

دوئل میان داستان کوتاه و رمان

کتاب ۹

شکست در سوپر کاپ اروپا
چه پیامی برای آینده رئال مادرید دارد؟

وحشت کهکشانی!

آدر نالین ۱۱

الگوی روابط انسانی
تغییرات فراوانی داشته است

از دواج سفید

یاهمباشی سیاه

شهر نوشت ۶

«خوشبختی اون چیزی نیست که هر کسی از بیرون ببینه، خوشبختی تو دل آدمه»

خدا حافظ آقای بازیگر!

همین صفحه



«خوشبختی اون چیزی نیست که هر کسی از بیرون ببینه، خوشبختی تو دل آدمه»

خدا حافظ، آقای بازیگر!

نیست که هر کسی از بیرون ببینه، خوشبختی تو دل آدمه» بشود جمله قصار تاکنون نسل‌ها را در ناصرال‌الدین شاه، آکتور سینماچه کسی بهتر از اومی توانست در نقش قبله عالم ظاهر شود؟ مش حسن، قبله عالم، رسول رحمانی، دون کورلونه ایران، خان مظفر، عباس آقا و بسیاری دیگر که اگر نبودند در سینمای ایران، این سینماکنون به بلوغ نمی‌رسید و از سایه هنر و هوشمندی و موقعیت‌شناسی چون اوبی در بزنگاه‌های درست و به‌موقع است که سینمای ایران راهی دیگر را بی‌گرفت تا این بشود که اکنون حرفی در مجامع جهانی برای گفتن داشته باشد. عزت‌الله انتظامی فارغ از آنچه در سینما بود، بودن و همگامی‌اش در تمام شرایط سخت و دشوار در کنار مردمی که اکنون او را استون بلند سینمای دانستند، از او عزتی دیگر ساخته بود. عزت‌الله انتظامی در روزهای بیماری هم آنچه در توان و چپه داشت برای مردمی که دوست می‌داشت گذاشت و خانه‌اش را برای ساخت موزه‌ای در باب سینما به مردم سپرد. آقای بازیگر در فاصله نزدیک، یک ایرانی تمام‌عیار با دغدغه‌هایی از جنس جامعه بود و گاه از اندوه روزهای دشوار مردم، بغض را نچکیده در گلو فرو می‌داد. عزت‌الله انتظامی با جا گذاشتن سایه سنگینش در سینما، بود و نبودش را یکسان کرد تا همچنان بازیگران از او بیاموزند و مردم باندیدنش در پرده سینما و او را بیشتر از گذشته یاد آورند و جای خالی‌اش را بیشتر حس کنند. در نگاه‌های که سینمایی هدف برای گیشه فیلم می‌ساخت و بازیگر گیشه‌ای تربیت می‌کرد، روند تحصیل آکادمیک او در سینما و انتخاب فیلم‌هایی که هنوز هم که هنوز است در قله سینمای ایران قرار دارند و بازی‌های درخشان و بی‌تکرارش سینما را به پیش از عزت‌الله انتظامی و پس از او تقسیم می‌کند تا همچنان نقطه عطف سینمای ایران باقی بماند. سال‌های بیماری و کهنسالی برای هر بازیگری سال‌های فترت است، اما عزت‌الله انتظامی ایران با وجود بیماری همچنان زودتر از همه و اول صبح در صحنه فیلم‌برداری حاضر می‌شد تا بتواند بدن و میمیک صورتش را آماده کند و در نیاز چون اوبی که دیگر در سینمای ایران کیمیاست.

عزت‌الله انتظامی نخستین سنگ بنایی را به نام خودش نهاد که امروز هویت سینمای ایران در عرصه‌های جهانی نام گرفته است. امروز پایان نزدیک به یک قرن درخشش است. نامش به بلندای آفتاب

می‌کند. مسخ که عنصر مدرن در ادبیات غرب است و شاید بتوان گفت هنوز برای سینما و مخاطب غربی ناآشناست، زیر پوست عزت‌الله انتظامی جریان می‌یابد تا درست و بی‌نقص، ما مش‌حسنی را ببینیم که در فراق گاوش در روستایی قحطی زده به گاومش حسن استحال می‌یابد و شاهکاری تاهمیشه را می‌زند. امروز ستاره‌های خاموش شد. در میانه تابش‌های داغ این روزها، امرداد نامیرا، امروز را به تلخ کامی رقم زد تا طاق سینمای ایران برای همیشه ترک‌ب‌بردار.

در آغازین سال‌های قرن جدید یعنی ۱۳۰۳ در آخرین روز بهار زاده شد و به‌غم نوباوگی سینمای سیاه و سفید ایران که مردان و زنان تنها به اعتبار چهره و ظاهرشان وارد این جعبه جادویی می‌شدند، عزت‌الله انتظامی راهی دیار فرنگ در هانوفر آلمان شد تا سینما را آکادمیک با معیارهای به‌روز غربی بیاموزد. وی کارش را با پیش‌برده خوانی در تماشاخانه‌های لاله‌زار آغاز کرد. زمانه هجوم مردم در رفتن به سینماها برای دیدن فیلم‌های عاشقانه و پیدا کردن قهرمانان‌شان از میان مردان کلاه‌شاپو و لوتی‌های محله‌های پایین شهر، عزت‌الله انتظامی بی‌اعتنا به شهرت‌های خوش‌آب‌ورنگی که از پرده‌های سینمای بیرون می‌آمد، سینما و بازیگری را بازتعریفی دوباره کرد و شاید به جرات بتوان گفت برای نخستین بار در ایران بازیگری را به شکل حرفه‌ای آن بی‌گرفت و کارش را با بازی در تئاتر آغاز کرد و برای نخستین بار در فیلم «وار تیه بهاری» که بی‌شک در ذهن هیچ مخاطبی یادآوری نمی‌شود به روی پرده سینما رفت.

ژان کلود ریبر، فیلم‌نامه‌نویس و بازیگر بزرگ فرانسوی می‌گوید: «هیچ دستوری برای ستاره شدن و ستاره ماندن وجود ندارد. باید دارای یک نگاه، یک حضور، جذابیتی آنی و چهره آشنا، حتی پیش از نخستین، دیدار بود. باید دارای یک حس، یک دم و تمام‌ویژگی‌هایی که لغت روح را معنی می‌کند، بود.» و این‌ها همه آن بودند که عزت‌الله انتظامی می‌توانست داشته باشد. هوشمندی در انتخاب و درک ادبیات و موقعیت و آشنایی با هنر مدرن غرب، از او همان ساخت که بی‌تعریف و کم و زیاد «آقای بازیگر» نام بگیرد. عزت‌الله انتظامی بازی در نقش «مش‌حسن» در فیلم «گاو» دارپوش مهرجویی و فیلم‌نامه‌ای از داستان گاو غلامحسین سعدی، نویسنده و نمایشنامه‌نویس بزرگ معاصر ایران، ستاره شد و ستاره ماند. تأکیدی ضروری است که در سال ۱۳۴۷ که لوح فیلم‌های عاشقانه و قهرمانانه در ایران به‌عنوان یک کشور جهان‌سوم است، عزت‌الله انتظامی مسخ را بازی

مرگ که روزمرگی شده باشد، روزمرگی که عادت شده باشد، نبودن هانیست شدن‌ها، رفتن‌ها، فقدان‌ها که قسمتی از زندگی روزمره مانده باشند، که چنین مباد هرگز، اما برخی نبودن‌ها را نمی‌توان برگرده نهاد و جبران مافات کرد. در کوکاب هفت آسمان هم یکی می‌شود ستاره و باقی سوسو می‌زند. امروز ستاره‌های خاموش شد. در میانه تابش‌های داغ این روزها، امرداد نامیرا، امروز را به تلخ کامی رقم زد تا طاق سینمای ایران برای همیشه ترک‌ب‌بردار.

در آغازین سال‌های قرن جدید یعنی ۱۳۰۳ در آخرین روز بهار زاده شد و به‌غم نوباوگی سینمای سیاه و سفید ایران که مردان و زنان تنها به اعتبار چهره و ظاهرشان وارد این جعبه جادویی می‌شدند، عزت‌الله انتظامی راهی دیار فرنگ در هانوفر آلمان شد تا سینما را آکادمیک با معیارهای به‌روز غربی بیاموزد. وی کارش را با پیش‌برده خوانی در تماشاخانه‌های لاله‌زار آغاز کرد. زمانه هجوم مردم در رفتن به سینماها برای دیدن فیلم‌های عاشقانه و پیدا کردن قهرمانان‌شان از میان مردان کلاه‌شاپو و لوتی‌های محله‌های پایین شهر، عزت‌الله انتظامی بی‌اعتنا به شهرت‌های خوش‌آب‌ورنگی که از پرده‌های سینمای بیرون می‌آمد، سینما و بازیگری را بازتعریفی دوباره کرد و شاید به جرات بتوان گفت برای نخستین بار در ایران بازیگری را به شکل حرفه‌ای آن بی‌گرفت و کارش را با بازی در تئاتر آغاز کرد و برای نخستین بار در فیلم «وار تیه بهاری» که بی‌شک در ذهن هیچ مخاطبی یادآوری نمی‌شود به روی پرده سینما رفت.

ژان کلود ریبر، فیلم‌نامه‌نویس و بازیگر بزرگ فرانسوی می‌گوید: «هیچ دستوری برای ستاره شدن و ستاره ماندن وجود ندارد. باید دارای یک نگاه، یک حضور، جذابیتی آنی و چهره آشنا، حتی پیش از نخستین، دیدار بود. باید دارای یک حس، یک دم و تمام‌ویژگی‌هایی که لغت روح را معنی می‌کند، بود.» و این‌ها همه آن بودند که عزت‌الله انتظامی می‌توانست داشته باشد. هوشمندی در انتخاب و درک ادبیات و موقعیت و آشنایی با هنر مدرن غرب، از او همان ساخت که بی‌تعریف و کم و زیاد «آقای بازیگر» نام بگیرد. عزت‌الله انتظامی بازی در نقش «مش‌حسن» در فیلم «گاو» دارپوش مهرجویی و فیلم‌نامه‌ای از داستان گاو غلامحسین سعدی، نویسنده و نمایشنامه‌نویس بزرگ معاصر ایران، ستاره شد و ستاره ماند. تأکیدی ضروری است که در سال ۱۳۴۷ که لوح فیلم‌های عاشقانه و قهرمانانه در ایران به‌عنوان یک کشور جهان‌سوم است، عزت‌الله انتظامی مسخ را بازی

خبر

سر مقاله

اعتراف به شکست!

پیشنهاد حمله نظامی به سایت‌ها و مراکز اتمی ایران را مطرح و آن را دنبال می‌کرد. مهم‌ترین تغذیه‌کننده فکری این گروه اندیشکده‌های به نام «بنیاد حمایت از دموکراسی‌ها» در واشنگتن است

در حال حاضر وزارت امور خارجه آمریکا به شدت تحت تأثیر برنامه‌های ارائه‌شده از سوی این اندیشکده است و تلاش دارد تا راهکارها و راهبردهای ارائه‌شده این بنیاد را در قبال ایران با تمام توان اجرایی کند. اما برای اجرایی کردن این دستورالعمل‌ها در داخل وزارت خارجه با موانع بسیار دست و پاگیری روبروست. هنوز در بدنه وزارت امور خارجه آمریکا کارشناسان و گروه‌های قدرتمندی حضور دارند که مخالف سیاست‌های آمریکا در مواجهه با ایران هستند و از حضور آمریکا در برجام حمایت می‌کنند. این گروه‌ها نظیر «شورای ملی ایرانیان آمریکا» حتی در دوران دونالد ترامپ و وزارت امور خارجه تیلرسون هم توانسته بودند بر روند تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های این وزارتخانه تأثیر گذار باشند. به‌نظر می‌رسد مایک پمپئو برای سرعت بخشیدن به اجرایی شدن آنچه بنیاد حمایت از دموکراسی‌ها توصیه می‌کند و دور زدن کارشناسان و موانع داخلی وزارت امور خارجه آمریکا اقدام به تأسیس چنین گروهی کرده باشد.

بزرگ‌ترین حامیان مالی این بنیاد به تدریج برنارد مارکوس مؤسس هوم‌دیپو، پال سینگر مدیر هیچ‌فاندو شلدون ادلسون مالک کازینوی سند لاس و گانس هستند. بیشتر بودجه این بنیاد از سوی اهداکنندگان حامی اسرائیل، تأمین می‌شود و پس از انتشار منابع مالی این بنیاد روشن شد که حمایت‌فرااینده این بنیاد از مداخله نظامی آمریکا در خاورمیانه، مواضع پیکار جوانه آن علیه ایران و دفاع این بنیاد از سیاست‌های تندروانه اسرائیل، با علایق حامیان مالی آن که مرتبط با لابی اسرائیل در آمریکا هستند سازگاری دارد. بنابراین جای تعجب نیست هنوز ساعاتی از تأسیس گروه اقدام ایران نگذشته است که مارک دوپویوتز مدیرعامل بنیاد حمایت از دموکراسی‌ها با نشور خاصی در گفتگو با روزنامه‌لس آنجلس تایمز می‌گوید «تأسیس این گروه پیام روشنی به جمهوری اسلامی ایران است تا گمان نبرد دولت فعلی ایالات متحده آمریکا به واسطه مسایل و مشکلات داخلی در گذر زمان ضعیف‌تر شده و تمرکز و فشار بر ایران را به بوته فراموشی می‌سپارد.» اظهارات شتابزده و هیچان‌آلود دوپویوتز در واقع تاحدزیدی صحیح به‌نظر می‌رسد زیرا دونالد ترامپ‌فی الواقع در داخل کشور خود با مشکلات و پرونده‌های بسیار سنگینی روبرو است و مسلمان‌به‌مرور زمان ضعیف‌تر خواهد شد و پایگاه دونالد ترامپ روز به روز متزلزل‌تر از قبل می‌شود. بنابراین می‌توان به مارک دوپویوتز گفت ایران دقیقاً با همین «گمان» بود که تقاضای مذاکره بدون قید و شرط آمریکا را کرد و تأسیس گروه اقدام ایران نه تنها ایران را در صحت چنین تحلیلی به شک نمی‌اندازد بلکه این گمان را بیش از گذشته تقویت خواهد کرد که زمان به‌ضرر هیات حاکمه فعلی ایالات متحده آمریکا است.

وزارت امور خارجه آمریکا در اقدامی تامل‌برانگیز «گروه اقدام ایران» را به منظور افزایش فشار بر جمهوری اسلامی ایران تأسیس کرد و ریاست این گروه را به بری‌ان هوک سپرد تا بتواند از این طریق سیاست‌های ضد ایرانی خود را با تمرکز و نیروی بیشتری پیگیری نماید. البته نفس به راه انداختن چنین گروهی آن هم در آستانه کودتای ۲۸ مرداد حاکی از آن است که ایالات متحده آمریکا هنوز نتوانسته است به اهداف از پیش تعیین شده‌ای نایل شود که در نظر داشت از رهگذر اجرایی شدن تحریم‌ها و خروج برجام به آن دست یابد. آنچه مسلم است تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا در شرایط فعلی در حالی که بزرگ‌ترین متحدان آمریکا در این مسیر با واشنگتن همراهی نمی‌کنند، نمی‌تواند به اندازه تحریم‌های همه‌جانبه دوران او بامبار ایران تأثیر بگذارد. در دوران او بامبار واشنگتن نتوانسته بود برای اعمال تحریم‌های ظالمانه علیه ایران سازمان ملل و تمام اتحادیه اروپا و حتی متحدان و همسایگان ایران را به‌طور کامل در اردوگاه خود نگاه دارد. با این وجود جمهوری اسلامی ایران نتوانسته بود حتی با آن شرایط نیز گلیم خود را از آب بیرون بکشد. هر چند سوءمدیریت‌ها و بی‌تدبیری‌های داخلی زمینه‌ساز راه‌گشایی‌های آماده ساخت تا تحریم‌های آمریکا گزند و موثرتر از چیزی باشد که خود آمریکا بکامیابان تصور می‌کردند. اما اکنون دولت آمریکا در همراه کردن نزدیکان اروپا و بسیاری از کشورهای جهان برای مقابله با ایران تقریباً ناکام مانده است و در این مسیر تنها برخی از کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی و رژیم اشغالگر قدس با آمریکا همراهی می‌کنند.

می‌توان گفت هدف اصلی این گروه بیش از آنکه فشار بر ایران باشد، فشار بر متحدان آمریکا، شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران اروپایی است تا آنها را وادار سازد تا تعامل و رابطه اقتصادی با ایران دست بکشند. این اقدام ایالات متحده آمریکا بیانگر آن است که استراتژیست‌های سیاست‌خارجی آمریکا به‌کندوبودن و کم‌اثربودن تحریم‌های یک‌جانبه‌ای که طی دو مرحله دولت ایران وارد می‌آورند واقفند و به خوبی می‌دانند ضربه‌ای که جمهوری اسلامی ایران را از پایبندار ذقطنان اروپا و بسیاری از کشورهای جهان برای مقابله با عجزولانه و برای جلوگیری از شکست سیاست‌های خود گروه اقدام ایران را تأسیس کرده، رهبری آن را به بری‌ان هوک سپرده‌اند.

برایان هوک در زمان جرج بوش معاون وزیر امور خارجه و مشاور ارشد جان بولتون، سفیر وقت آمریکا در سازمان ملل بود و با روی کار آمدن دونالد ترامپ در دوران صدارت رگس تیلرسون نیز معاون برنامه‌ریزی سیاسی علیه ایران را به عهده داشت و حتی پس از برکناری تیلرسون که بر سر برجام اختلافات عمیقی با رئیس‌جمهوری داشت توانست جایگاه خود را در وزارت امور خارجه حفظ کند. بسیاری بر این باورند که جان بولتون، پمپئو و بری‌ان هوک در خصوص جمهوری اسلامی ایران بسیار تندروتر از دونالد ترامپ هستند به گونه‌ای که پمپئو در ایامی که در کنگره به عضویت داشت